

Original Article

**Investigated the Social Themes of Citizenship and its Impact on the Poems of
Obaid Zakani, Parvin and Bahar**

Hooriyeh Nikookar¹, Maryam Majidi^{2*}, Zahra Ghergi³

1. Ph.D. Student in Persian Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: maryam-majidi@iau.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 14 Feb 2019 Accepted: 20 Dec 2020

Abstract

Background and Aim: Poets and writers have long been a full-fledged mirror of the environment of their time. They are sharp and sensitive people in social issues and because they have interacted with people, so they have felt responsible for the issues and problems of society and recognized the citizenship rights of the society of their time and silent by composing social systems against the adversity of their time. They did not sit down and with their words; they tried to realize these rights. Therefore, the main purpose of the present study is to examine the social themes of citizenship and its impact on the poems of Obaid Zakani, Parvin Etesami and Malek al-Sho'arai Bahar.

Materials and Methods: The present study has a descriptive-analytical approach that is done by qualitative method. And by using the poems and main texts of poets such as: Parvin Etesami, Obaid Zakani and Malek al-Sho'arai Bahar, this research has been formed, then the manifestation of social themes of citizenship and its impact on their poems will be considered.

Findings: Parvin Etesami has criticized the unhealthy situation of her society through debate, Obaid reacted to the perversions of the governing body, their oppression, discrimination and class differences and criticized the authoritarian rulers in various ways with the language of humor, Bahar has written social poems with protest content to express public rights and obstacles to the growth of society, they were influenced by society and demanded the citizenship rights of the society of their time through the language of poetry.

Ethical Considerations: In doing this article, the author has observed the principle of fidelity from the sources used.

Conclusion: Examining the poems of these three precious poets (Obaid Zakani, Parvin and Bahar), it became clear that they were influenced by the social events of their time and spoke about their sufferings and pains. The predominant way they have chosen to express problems, criticize and demand the citizenship of individuals is indirect. Because the dark conditions of the time had prevented them from revealing the facts. Not only did they express the music of the word, but they understood the lost rights of the people of their time and shouted with the beautiful elements of speech to reform social affairs.

Keywords: Social Themes; Citizenship; Obaid Zakani; Parvin Etesami; Bahar

Please cite this article as: Nikookar H, Majidi M, Ghergi Z. Investigated the Social Themes of Citizenship and its Impact on the Poems of Obaid Zakani, Parvin and Bahar. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, Autumn 2018; 273-284.

بررسی نمود مضامین اجتماعی شهروندی و تأثیر آن بر اشعار عبید زاکانی، پروین و بهار

حوریه نیکوکار^۱، مریم مجیدی^{۲*}، زهرا قرقی^۳

۱. دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: maryam-majidi.@iau.ac.ir

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: شاعران و نویسندگان از دیرباز تا کنون آینه تمام نمای محیط روزگاران خویش بوده‌اند. آنان در مسائل اجتماعی افرادی تیزبین و حساسی هستند و چون با مردم در تعامل بوده، بنابراین در برابر مسائل و معضلات جامعه نیز احساس مسؤولیت کرده و حقوق شهروندی جامعه عصر خویش را شناخته و با سرودن منظومه‌های اجتماعی در برابر ناملایمات روزگار خویش خاموش ننشسته و با کلام خویش به احقاق این حقوق اهتمام ورزیده‌اند. بر همین اساس هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی نمود مضامین اجتماعی شهروندی و تأثیر آن بر اشعار عبید زاکانی، پروین اعتصامی و ملک‌الشعراى بهار است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر رویکردی توصیفی - تحلیلی داشته که با روش کیفی انجام می‌گردد و با بهره‌مندی از اشعار و متون اصلی شاعرانی همچون پروین اعتصامی، عبید زاکانی و ملک‌الشعراى بهار، این تحقیق شکل گرفته، سپس نمود مضامین اجتماعی شهروندی و تأثیر آن بر اشعار آنان مورد توجه قرار می‌گیرد.

یافته‌ها: پروین اعتصامی به شیوه مناظره، اوضاع نابسامان جامعه خود را به باد انتقاد گرفته، عبید در راستای کجروی‌های هیأت حاکمه، ظلم و ستم آنان، تبعیضات و اختلاف طبقاتی و... عکس‌العمل نشان داده و با زبان طنز به طرق مختلف از حاکمان مستبد انتقاد کرده، بهار با سرودن اشعار اجتماعی با محتوایی اعتراضی به بیان حقوق عامه و موانع رشد جامعه پرداخته است. آنان از جامعه تأثیر گرفته و با زبان شعر مطالبه‌گر حقوق شهروندی جامعه عصر خویش بودند.

ملاحظات اخلاقی: نگارنده در انجام این مقاله اصل امانتداری را از منابع مورده استفاده، رعایت کرده است.

نتیجه‌گیری: با بررسی اشعار این سه شاعر گرانسنگ (عبید زاکانی، پروین و بهار) مشخص شد که آنان از حوادث اجتماعی روزگار خویش تأثیر پذیرفته و از رنج‌ها و دردهای آن سخن‌ها گفته‌اند. شیوه غالبی که آن‌ها برای بیان مشکلات، انتقادات و مطالبه حقوق شهروندی افراد، انتخاب کرده‌اند، شیوه غیر مستقیم است، زیرا شرایط تیره زمان اجازه پرده‌برداری از حقایق را از آنان سلب کرده بود. آنان فقط بیان‌کننده موسیقایی کلام نبودند، بلکه حقوق ضایع‌شده مردمان عصر خویش را درک کرده و با عناصر زیبایی سخن در جهت اصلاح امور اجتماعی فریاد برآورده‌اند.

واژگان کلیدی: مضامین اجتماعی؛ شهروندی؛ عبید زاکانی؛ پروین اعتصامی؛ بهار

مقدمه

یکی از دغدغه‌های شاعران و نویسندگان در اعصار مختلف، نحوه زندگی مردمان جامعه بوده و اگر در این راه ناملایماتی می‌دیدند، با زبان شعر به بیان آن می‌پرداختند و چون بیشتر آن‌ها با حقوق فردی و اجتماعی آشنا بودند، بنابراین اغلب به صورت غیر مستقیم و گاهی مستقیم مضامین اجتماعی شهروندی را در کلام خویش آورده و به انتشار آن پرداخته و در واقع یک نوع بیداری اجتماعی را رقم می‌زدند.

از آنجا که انسان در جامعه زندگی می‌کند و در خانواده و تحت تأثیر میراث‌های تمدنی و فرهنگی به رشد و بالندگی می‌رسد و هنجارهای آن را می‌پذیرد؛ ادبیات نیز مانند جامعه‌شناسی پیش از هر چیز با حوزه اجتماعی، سازگاری انسان با آن و آرزوهایش در جهت دگرگون‌سازی آن سروکار دارد. «شاید به همین دلیل است که گفته می‌شود ادبیات، بیان حال جامعه است و وضع موجود جامعه را در هر دوره‌ای بازمی‌تاباند، همچنانکه برخی دیگر ادبیات را نسخه بدل زندگی و آن را در حد مدارک اجتماعی و تصاویری فرضی از واقعیت‌های اجتماعی می‌دانند و معتقدند می‌توان از ادبیات نکته‌های کلی تاریخ اجتماع را به عنوان یک سند اجتماعی به دست آورد» (۱).

هنرمند در خلق آثار خود احساسات خویش را به کار می‌گیرد و این احساسات می‌تواند تحت تأثیر عواملی چند از جمله عوامل اجتماعی و سیاسی قرار گیرد، همچنانکه اندیشه هنرمند نیز می‌تواند تحت تأثیر احساسات و در نتیجه تحت تأثیر محیط زندگی او واقع گردد. از سویی دیگر بدیهی است که اثرگذاری محیط و شرایط آن بر آثار ادبی - هنری برای همه یکسان نبوده و می‌تواند از جنبه‌های متفاوتی برخوردار باشد. این تأثیر ممکن است به حالت‌های گوناگونی همانند سازگاری، رد و شورش و یا ترکیبی از اندیشه‌های برگرفته از محیط‌های متفاوت نمودار شود (۲). مسأله اصلی در این پژوهش بررسی نمود مضامین اجتماعی شهروندی در شعر پروین، عبید و بهار بوده و نیز پاسخ به سؤالات زیر است:

- پروین، عبید و بهار چگونه مضامین اجتماعی شهروندی را در شعر خود به کار برده و چه هدفی داشته‌اند؟

- جامعه مورد خطاب پروین، عبید و بهار چه جامعه‌ای بوده‌اند؟

- تأثیرپذیری پروین، عبید و بهار از مضامین اجتماعی شهروندی عصر خویش چگونه بوده؟

۱- پیشینه تحقیق

جوادی (۱۳۹۴ ش.) در تحقیقی با عنوان تحلیل و مقایسه اندرزهای اجتماعی سعدی و عبید و حافظ با هدف اندرزهای اجتماعی در آثار آن‌ها به مقایسه و تحلیل پرداخته است. رضایی (۱۳۹۲ ش.) در پژوهشی با عنوان «بازتاب استعمار ستیزی در اشعار بهار و احمد صافی» به اشعار این دو پرداخته است. رفیعی (۱۳۹۲ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی شعر احمد صافی و بهار» به تطبیق مضامین شعری این دو شاعر همت گماشته است.

نوری و مصیب نیافخیمی (۱۳۹۶ ش.) نیز در کتاب «حقوق شهروندی زنان در ایران بین دو انقلاب» نظریه‌های شهروندی کلاسیک و مدرن و انواع حقوق شهروندی زنان در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. ایشانی و باباعلی (۱۳۹۷ ش.) در مقاله «بررسی و نقد مؤلفه‌های شهروندی در داستان‌ها و حکایت‌های کتاب فارسی بخوانیم دوره ابتدایی» به نقد داستان‌ها و حکایت‌های کتاب فارسی ابتدایی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که از هفتاد و دو مورد داستان مطرح‌شده فقط هفده مورد دارای شاخص‌های مرتبط با قانون‌مداری می‌باشند. شریفی مقدم و همکاران (۱۳۹۸ ش.) در مقاله خود با عنوان «مقایسه استعاره‌های مفهومی غم و شادی در اشعار پروین اعتصامی» به این نتیجه رسیده‌اند که فراوانی استعاره‌های مفهومی غم و گستره و تنوع معنایی در آن‌ها به صورت چشم‌گیری بیشتر از شادی بوده است. قاسمی و همکاران (۱۳۶۹ ش.) در پژوهشی با عنوان «بررسی شناخت سبکی و بنیادهای ایدئولوژیک با محوریت زن» به بررسی بنیادهای ذهنی شاعر در ارتباط با زن می‌پردازند. سامخانی و مدنی (۱۳۹۵ ش.) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ابعاد اسلام‌گرایی در شعر طاهره صفارزاده»، ابعاد اسلام‌گرایی صفارزاده را در شش سطح کلی نشان می‌دهند: ۱- محوریت قرآن کریم و نواندیشی دینی؛ ۲- تأکید و توجه به وحدت مسلمانان؛ ۳- امام

باوری؛ ۴- دادورزی، تعقل، اصلاح فرهنگی و مبارزه با استبداد داخلی؛ ۵- مبارزه با استثمار، استعمار و امپریالیسم؛ ۶- حق طلبی و هم‌نوایی با ملل مظلوم جهان. صافی و ونارجی (۱۳۹۴ ش.) مقاله «سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده» را به رشته تحریر درآورده‌اند که بر اساس نتایج آن طاهره صفارزاده یکی از شاعران صاحب سبک و دارای فردیت در زمینه ادبیات انقلاب اسلامی و شعر مذهبی است. اکبری و خلیلی (۱۳۸۹ ش.) در مقاله «بررسی اشعار طاهره صفارزاده از دیدگاه فکری» با تقسیم‌بندی اشعار او به دو دسته سیاسی و اجتماعی هر یک را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در اشعار او نمود زیادی دارد. زهرا فرقانی (۱۳۹۰ ش.) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی و مقایسه اشعار اجتماعی - انتقادی پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد» با هدف بازتاب بخشی از پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در شعر این دو شاعر برجسته «پروین اعتصامی» و «فروغ فرخزاد» پرداخته و نگارنده سعی کرده، نوع نگرش و برداشت آنان را مورد مطالعه قرار دهد تا نشان دهد که زنان شاعر، چگونه به نقش خود در اجتماع نگریسته و چگونه به بیان مسائل اجتماعی پرداخته‌اند. با بررسی‌های به عمل آمده به نظر می‌رسد در خصوص موضوع مقاله «بررسی نمود مضامین اجتماعی شهروندی و تأثیر آن بر اشعار عبید زاکانی، پروین و بهار» پژوهش مستقلاً صورت نگرفته است.

۲- مفاهیم و تعاریف

۲-۱- **مضامین اجتماعی:** مضامین در لغت جمع مضمون و آنچه از کلام مفهوم شود است (۳). مضامین اجتماعی، مضمون‌هایی هستند در کلام شاعر یا نویسنده، در بیان مسأله‌ها و چالش‌های مختلف اجتماعی جامعه از آن‌ها بهره می‌گیرد.

۲-۲- **حقوق شهروندی:** کلمه «شهروند» از نظر لغوی در فرهنگ‌های عمومی مثل فرهنگ معین، عمید و... به معنای اهل یک شهر یا یک کشور تعریف شده و در فرهنگ‌های دوزبانه مثل حییم و آریان‌پور، شهروند به معنای بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت، شهرنشین است که از خدمت لشکری و

شهروانی آزاد باشد، تعریف شده است. در فرهنگ علوم سیاسی، در تعریف شهروند چنین آمده: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است» (۴). از نظر اصطلاحی، مفهوم شهروندی به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی (معمول یا مدرن) تلقی می‌شود که به موجب آن شرایط برخورداری فرد را از حقوق و قدرت فراهم می‌کند. می‌توان گفت: «حقوق شهروندی، حقوقی است فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که یک شهروند به واسطه زندگی در قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه میان او و دولت حاکم از آن برخوردار می‌شود» (۵). شهروندی یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت و توسعه‌یافتگی کشورهاست. یکی از ابعاد مهم شهروندی، فرهنگ شهروندی است. با توجه به بررسی‌های گوناگون، در خصوص مفهوم شهروندی دو معنای کلی استنباط می‌شود: نخست شهروند به معنای بشر و نوع انسان که مصادیق آن شامل تمامی انسان‌ها از هر جنس و نژاد، رنگ، کشور، دین، مذهب و... می‌باشد و دیگر شهروند به معنای انسان‌های ساکن و مقیم در یک کشور اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت هستند (۶). انسان در هر جامعه‌ای که زندگی می‌کند، به عنوان شهروند آن جامعه دارای حقوقی است که رعایت آن توسط هم‌نوعان و سیستم حکومتی حاکم بر آن جامعه، امری الزامی و انکارناپذیر است. مارشال شهروندی را دربردارنده سه نوع حقوق می‌داند: ۱- مدنی: حفظ آزادی‌های فردی شامل آزادی شخص، آزادی بیان و اندیشه، حق مالکیت شخص حق انعقاد قراردادهای معتبر و حق برخورداری از عدالت؛ ۲- سیاسی: حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به عنوان یکی از اعضای نهاد برخوردار از اقتدار سیاسی و یا به عنوان یکی از انتخاب‌کنندگان اعضای چنین نهادی؛ ۳- اجتماعی: طیف وسیعی از حقوق که حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به عنوان یک موجود متمدن طبق معیارهای حاکم بر یک جامعه را دربر می‌گیرد (۷).

شهروند کسی است که هم منافع خود و هم منافع دیگران را در نظر آورد و در سایه همکاری و همراهی با دیگران و

وداع گفت. وی یکی از پیشگامان راستین تجدیدگرایی در ایران و به حق از پیشوایان تحول نثر فارسی است (۹).

«پروین تحصیلات خود را در کالج آمریکایی به پایان رسانید و به اخذ گواهی‌نامه دوره متوسطه نائل آمد و در جشن فارغ‌التحصیلی خود خطابه زن و تاریخ را ایراد کرد. پروین اعتصامی ادبیات فارسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از آنجا که اعتصام‌الملک از دانشجویان و ادیبان نامور بود، به پروین در راهی که خواست قدم نهد، کمک شایانی کرد و تا هر جا که پروین در علوم ادب خواست پیش رود، او را برد» (۱۰).

۱-۱- نمود مضامین اجتماعی شهروندی در شعر

پروین: مضامین اجتماعی که تأثیر شگرفی بر ساحت فکری پروین داشته و وی را به سرودن منظومه‌های اجتماعی ترغیب و تحریض کرده بسیارند که در این تحقیق بنا به اقتضای حال و محل به تحلیل برخی از آن‌ها مانند مبارزه با حاکمان و تبعیض، مبارزه با فساد، دوری از بی‌توجهی به همدیگر، بدبختی جامعه و فساد حاکمان، دوری از ناامیدی و آزادی که هر کدام مؤلفه‌هایی از حقوق شهروندی هستند، خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱- مبارزه با ظلم حاکمان و تبعیض: شعر پروین و بی‌عدالتی.

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی
فریاد شوق بر سر هرکوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست؟
آن یک جواب داد: چه دانیم ما که چیست؟
پیداست آنقدر، که متاعی گران‌بهاست (۱۱)

در این شعر پروین به گونه‌ای از ظلم طبقه حاکمه، تبعیض در جامعه، عدم رسیدگی به اوضاع مالی و رفاهی مردمان یک جامعه و... که همگی از حقوق شهروندی به شمار می‌آیند، بحث به میان آورده است. هویداست که جریان‌ات اجتماعی در شعر پروین به خوبی نمود پیدا کرده و او را به سرودن اشعاری واداشته که حقایق اجتماعی را در لباس شعر بروز دهد. نزدیکی و همزیستی پروین به عامه مردم و درک مشکلات و معضلات مختلف اجتماعی نیز وی را تحت تأثیر قرار داده و از

پذیرش مسؤولیت‌ها، شرایط بهتری را برای خویش و دیگران فراهم سازد. شهروندان در امور مختلف، اعم از نگهداری از امکانات عمومی و حفظ منابع طبیعی تا تعمیر مدرسه محل و آسفالت خیابان خود احساس مسؤولیت می‌کنند. در واقع هر فرد در جامعه شهروندی حقوق و تکالیفی دارد و کسانی که این حقوق و تکالیف را رعایت می‌کنند یک شهروند خوب محسوب می‌شوند (۸).

ملاحظات اخلاقی

نویسنده در انجام این پژوهش اصل امانتداری را به جای آورده است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر رویکردی توصیفی - تحلیلی داشته که با روش کیفی انجام می‌گردد و با بهره‌مندی از متون اصلی شاعرانی همچون پروین اعتصامی، عبید زاکانی و ملک‌الشعرای بهار، این تحقیق شکل گرفته، سپس نمود مضامین اجتماعی شهروندی و تأثیر آن بر اشعار پروین، عبید و بهار مورد توجه قرار می‌گیرد.

یافته‌ها

پروین اعتصامی به شیوه مناظره، اوضاع نابسامان جامعه خود را به باد انتقاد گرفته، عبید در راستای کجروی‌های هیأت حاکمه، ظلم و ستم آنان، تبعیضات و اختلاف طبقاتی و... عکس‌العمل نشان داده و با زبان طنز به طریق مختلف از حاکمان مستبد انتقاد کرده، بهار با سرودن اشعار اجتماعی با محتوایی اعتراضی به بیان حقوق عامه و موانع رشد جامعه پرداخته است. آنان مطالبه‌گر حقوق شهروندی جامعه عصر خویش بودند.

بحث

۱- پروین اعتصامی

پروین در سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز دیده به جهان گشود و در سال ۱۳۲۰ شمسی در سن ۳۵ سالگی دار فانی را

۳-۱-۱- دوری از بی‌توجهی به همدیگر: پروین و اشاره به بی‌مهری مردمان.

به سر خاک پدر، دخترکی
که نه پیوند و نه مادر دارم
گرچه بهر پدر نیست که او
زان کنم گریه که اندر یم بخت
صورت و سینه به ناخن میخست
کاش روحم به پدر می‌پیوست
مُرد و از رنج تهیدستی رست
دام بر هر طرف انداخت گسست
و... (۱۱).

در این شعر پروین اعتصامی بی‌توجهی مردم به همدیگر را با بیان شعری زیبا به رشته تحریر کشانده است و این بی‌توجهی مردم به یکدیگر موجب شده که پروین دم برآورد و در قالب داستانی کوتاه به زبان شعر، این خصیصه ناپسند جامعه را برملا کند، حتی در این شعر به فاصله‌گرفتن مردم از خدا و دستورات الهی اشاره شده و جذب مردم به سوی مادیات و فاصله‌گرفتن از معنویات را فریاد کشیده است. این شرایط حاکم بر جامعه باعث شده که ساحت فکری پروین تحت تأثیر قرار گرفته و با سرودن این شعر زیبا جامعه را به همگرایی و دوری از واگرایی به عنوان یکی دیگر از حقوق شهروندی ترغیب نماید.

۴-۱-۱- بدبختی جامعه، فساد حاکمان: نگاه پروین به نابهنجاری.

روز شکار، پیرزنی با قبضه گفت
کز آتش فساد تو، جز دود آه نیست
روزی بیا به کلبه ما از ره شکار
تحقیق حال گوشه‌نشینان گناه نیست
هنگام چاشت، سفره بی‌نان ما ببین
تا بنگری که نام و نشان از رفاه نیست
و... (۱۱).

پروین بار دیگر با بیان داستانی زیبا و گوش‌نواز که در آن پادشاهی که به شکار رفته و پیرزنی را می‌بیند و آن پیرزن عامل بدبختی و سیاه‌روزی جامعه را فساد و هوسرانی پادشاه بیان می‌کند، بار دیگر اوضاع وخیم جامعه را به بی‌تدبیری و بی‌کفایتی دستگاه حاکمه ارتباط داده و این اوضاع بد مردمان

این رو محرکی بسیار قوی برای بیان آلام و رنج‌های مردم بوده است. پروین در شعر خویش علاوه بر بیان گرفتاری‌های جامعه، راه حل‌هایی مناسب برای برون‌رفت از آن شرایط با زبانی پنهانی و در کلام شعر برای مخاطبان عرضه داشته است. ۲-۱- مبارزه با فساد: یکی دیگر از اشعار زیبای پروین اعتصامی که مضمون اجتماعی دارد شعر مست و هوشیار وی است که باز هم به اوضاع اجتماعی و فساد والیان و ماموران و حکام اشاره دارد:

محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت
مست گفت: ای دوست، این پیراهن است افسار نیست
گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی
گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست
گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی برم
گفت: رو صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست
و... (۱۱).

پروین اعتصامی با اندیشه ناب و زبان شیوایی که داشته، در شعر مست و هوشیار به بیان یکی دیگر از واقعیت‌های جامعه همت گماشته که حکام و قاضی شرع هم در جایگاه واقعی خود قرار ندارند که بتوانند در جامعه عدل و عدالت را که از جمله مفاهیم حقوق شهروندی هستند، در بین جامعه بگسترانند. در این شعر مشخص است که پروین عدالت گستری افرادی که در جامعه هم‌عصر وی در عدلیه‌ها مشغول بودند، مناسب و در راستای خدمت به جامعه ندیده و این جریان باعث شده که شعر و فکر پروین تحت تأثیر قرار گرفته و به سرودن اشعار نغز و پرمغز اجتماعی، انتقادی و انقلابی دست بزند. در اینجا شاعر به اوضاع و احوال و معضلات اجتماعی اشاره دارد که از رأس حکومت حاکم شرع تا تمام توده‌های مردم را دربر گرفته است و وجود معضلات اجتماعی را قسمتی ناشی از عملکرد حاکمین و مأموران دولتی نیز می‌داند و هیچ شخص صالحی را در بین آنان برای اصلاح و بالندگی جامعه نمی‌بیند و نیز به حقوق از دست‌رفته شهروندان و ظلمی که به آنان روا می‌دارند، اشاره شده است.

به رنج گوشه‌نشینی و فقر تن دادن
به از پریدن بیگانه و داشتن غم جان

و... (۱۱).

پروین از آنجایی که شاعری آزاداندیش بوده و داشتن آزادی را برای افراد جامعه، حقی اجتماعی و شهروندی می‌داند، از این رو به مقوله آزادی و اهمیت آن برای انسان تأکید فراوان داشته است. گرفتاری‌ها و رنج‌های خیلی از افراد جامعه را دیده و در شعر خویش از آن‌ها تأثیر گرفته و ضمن انتقاد از آن اوضاع اجتماعی، به بیان راه کار نیز همت گماشته است.

۲- عبید زاکانی

خواجه نظام‌الدین عبید زاکانی قزوینی متخلص به عبید، شاعر و نویسنده مشهور ایرانی در قرن هشتم ه. ق. است (۱۲).

۲-۱- نمود مضامین اجتماعی شهروندی در شعر

عبید: مضامین اجتماعی و مترادفات آن در آثار عبید فراوانند، در این پژوهش به ذکر اعتراضات عبید، اوضاع اجتماعی، اوضاع سیاسی، رفتار ظالمانه حاکمان، در منظومه (موش و گربه)، مناسبات طبقات آن زمان، نابرابری و عوام‌فریبی گروه حاکم، اشاره شده است. عبید با بهره‌مندی از زبان طنز به بیان واقعیت‌ها و حقیقت‌ها پرداخته، به گونه‌ای که مخاطب با کمی تأمل به کلام شاعر پی می‌برد.

۲-۲- اعتراضات عبید: مرحوم صفا در خصوص عبید

زاکانی معتقد است: «وی بیشتر از هر کسی وضع نامطلوب اخلاقی و اجتماعی عهد خویش را که دوره رواج مفاسد و معایب است، شناخته و محیط را که تحت استیلای تاتار و جور حکام و عمال مغول و آشوب و فتنه و قتل و غارت و ناپایداری اوضاع و جهل و نادانی غالب زمامداران و غلبه مشتی غارتگر فاسد و نادان به وجود آمده بود را مجسم ساخته است» (۱۳).

عدم اعتماد بین مردم و حتی بین امرای مختلف و فرزندان و برادران آن‌ها در این عهد به گونه‌ای است که در «۱۵» رمضان سال ۷۵۹ به فرمان شاه‌شجاع، چشم امیر مبارز میل کشیده شد» (۱۴) و شاه‌شجاع حتی بر پسر خود نیز بدگمان شده و «او را به این توهم که درصدد خروج بر اوست، در

در ساحت فکری پروین رخنه کرده تا این شاعر متعهد، تیز هوش و مردمی بتواند از دردهای جامعه و بیداری حکام، زبان به شکوه و گلایه بگشاید. در این شعر به مانند بسیاری از اشعار دیگر وی، مضامین اجتماعی شهروندی که تزیین شده‌اند، قابل لمس است، چون پروین شاعری بود اجتماعی و فقط شعر را برای بیان موسیقایی کلام گزینش نکرده بود، بلکه علاوه بر آن تعهدی به جامعه داشت که با کلام شیوا و زیبا بتواند حوادث اجتماعی را برای مخاطبان با بهترین و زیننده‌ترین عنصر بیان، که همان زبان شعر است، بازگو کند.

۱-۵- دوری از ناامیدی: پروین و نکوهش ناامیدی برای

مردمان جامعه.

به شکوه گفت جوانی فقیر با پیروی
به روزگار، مرا روی شادمانی نیست
بلاى فقر، تنم خسته کرد و روح بکشت
به مرگ قانعم، آن نیز رایگانی نیست
کسی به مثل من اندر نبردگاه جهان
سیاه روز بلاهای ناگهانی نیست
گرسنه بر سر خوان فلک نشستم و گفت
که خیرگی مکن، این بزم میهمانی نیست

و... (۱۱).

پروین گهگاهی چون خردمندی فرزانه و عالمی دردانه عمل می‌کند، در این شعر (روح آزاده) از وضعیت جوانی سخن به میان می‌آورد که ناامید و خسته‌دل است و از وضعیت خویش گله‌مند بوده تا به حدی که آرزوی مرگ در سر می‌پروراند که توصیه پروین در اینجا دوری از ناامیدی، کار و تلاش به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی و حقوق شهروندی و این‌که سرمایه جوانی سرمایه‌ای باارزش است که می‌توان با مدد از آن و توکل بر خدا بر ناکامی‌ها چیره شد، البته تقدیر را پذیرفته و از کاهلی و ناامیدی دست بکشد، زیرا فقر و بدبختی که در جامعه وی وجود دارد می‌توان با همت و تلاش از آن گریخت.

۱-۶- آزادی: تبلور آزادی در شعر پروین.

چه سود صحبت شاهان چو نیست آزادی
چرا دهیم گرانمایه وقت را ارزان

اوضاع نامساعد آنان، بر افکار وی غلبه نموده و این شاعر را به سوی سرودن چنین شعرهایی کشانده است.

بحر غم را کرانه پیدا نیست
خاطری شادمانه پیدا نیست
هیچ جا طایر امیدی را
بیضه در آشیانه پیدا نیست
آن چنان موج غم گرفت وجود
که دلی در میانه پیدا نیست
و... (۱۶).

در این شعر، عبید روزگار وقت خویش را روزگاری نابسامان، افسرده و پر از غم و اندوه معرفی کرده، به حدی مردمان عصر وی به ناامیدی مطلق و پذیرش تقدیر نامساعد که علت آن حاکمانی هستند که برای هنر هم هیچ ارزشی قائل نیستند، می‌داند و اعتراض عبید به این حاکمانیست که این‌گونه امنیت و آسایش جامعه را به فنا کشانده و حقوق شهروندان را پایمال کرده‌اند.

۳-۲- رفتار سیاسی با جامعه: «عبید از وضع عامه مردم از یک طرف و طبقه قضات و ولات و حکام از طرف دیگر و رابطه آن دو دسته که در حقیقت طبقه محکوم و طبقه حاکم شمرده می‌شده‌اند، سخن رانده است و در قالب داستانی زیبا بیان می‌دارد که «طبقه محکوم با همه صف‌آرایی‌ها و عصیان‌های خود، سرانجام چگونه طعمه آن طبقه دیگر می‌گردد و خان و مانش بر باد فنا می‌رود» (۱۳).

کان بوستان سرای که آیین رنگ و بوی
خلد برین ز رونق آن بوستان گرفت
اکنون بدان رسید که بر جای عندلیب
زاغ سیه‌دل آمد و در وی مکان گرفت
قصری که برد فرخی از فر او همای
سگ بچه کرد دروی و جغد آشیان گرفت
از میان رفت فیصل و فیصل‌سوار
مخزن و تاج و تخت و ایوانا

و... (۱۶).

نزدیکی اقلید فارس محبوس و چشم آن جوان را در شعبان سال ۷۸۵ میل کشید» (۱۴).

شاید داستان موش و گربه او که سراسر بیزاری از ریا و نفاق طبقه حاکم و ستم‌کشیده طبقه مظلوم جامعه (عامه مردم) است، خود حاکی از نفرت شاعر از رفتارهایی است که در اطراف او انجام می‌گیرند. با اطمینان می‌توان ادعا کرد که شعر عبید شعری اجتماعی و متأثر از جهان پیرامون او بوده و مباحث مربوط به حقوق شهروندی در شعر وی موج می‌زند.

با مطالعه آثار عبید درمی‌یابیم که برخی از انتقادات وی به مردمان عصر خویش است که به علت جهل، دچار کجروی‌هایی همچون اخلاقی و اجتماعی شده‌اند، آثار این شاعر نامی به خوبی تحت تأثیر جامعه قرار گرفته، حقوقی چون حقوق شهروندان که نادیده گرفته شده، قلم عبید را به فریاد درآورده است و خوانندگان را به جریانات اجتماعی عصر عبید آشنا می‌سازد.

گربه آن موش را بکشت و بخورد
سوی مسجد شده خرامانا
دست و رو را بشت و مسح کشید
ورد می‌خواند همچو ملانا
بار الاها که توبه کردم من
ندرم موش را به دنداننا

و... (۱۵).

جسارت عبید در گفتار نغز و شیوا و به تصویرکشاندن بی‌عدالتی، ظلم، فساد و بی‌توجهی حاکمان و زاهدان عصر خویش در قبال جامعه که از مصادیق حقوق ضایع‌شده شهروندی هستند، اشعار وی را برای هر خواننده‌ای جذاب و خواندنی کرده است، عبید با این طرز بیان به بیداری جامعه کمک شایانی کرده است. وی در داستان موش گربه، ریا و تزویر را نکوهش کرده و ناکارآمدی و خیانت آنان را در جهت نابودی زبردستان (موشان) با کلامی دلنشین به رشته تحریر کشانده است.

۳-۲- اوضاع اجتماعی: عبید زاکانی در آثار خود با آوردن اشعاری نغز و کم‌نظیر، به وضعیت نامناسب و مشکلات جامعه اشاره داشته‌اند و این هم‌زیستی با مردمان و درک

۳- ملک الشعراى بهار

ملک الشعراى بهار در سال ۱۳۰۴ به دنیا آمد، در دهه آخر حکومت ناصرالدین شاه قاجار درست زمانی که که ایران تحت نفوذ مستقیم روس و انگلیس بود، روزهای خود را سپری می‌کرد (۱۷).

۳-۱- نمود مضامین اجتماعی شهروندی در شعر

بهار: مضامین اجتماعی در آثار بهار فراوان هستند، در این تحقیق به ذکر و تحلیل برخی از آنها مانند عدالت، تأکید بر عدالت، آزادی در انتخاب حجاب، بیداری، بیان دردها و رنج‌ها وحدت و صلح به عنوان مؤلفه‌های حقوق شهروندی اجتماعی می‌پردازیم. یکی از اصولی که بهار سخت به آن پایبند بود، مسأله عدالت است، این واژه در دیوان وی به صورت مستقیم و غیر مستقیم بارها تکرار شده است.

۳-۱-۱- عدالت: جایگاه عدالت در شعر بهار.

استخوانم خرد شد در آرزوی معدلت

کاشکی ز اول همای آرزو پر نداشت

و... (۱۸).

از آنجایی که بهار همانند بسیاری از شاعران نیک‌اندیش، دغدغه جامعه خویش را در سر می‌پروراند، با نگاهی دقیق و ظریف به جامعه نگریده و درد آن را رصد می‌کرد، زیرا می‌دانست یکی از حقوق شهروندی افراد جامعه، عدالت است که باید رعایت گردد. پرواضح است که این جامعه است که بر بهار و شعر وی تأثیر گذاشته است.

۳-۱-۲- تأکید بر عدالت: عدالت‌محوری در شعر ملک

الشعراى بهار.

ملک عروس است عدل و دادش کابین

در ده کابین و شو مرو را داماد

و... (۱۸).

حساسیت و دلبستگی ملک‌الشعراى بهار به عدالت به عنوان یکی از حقوق انسانی در آثار وی به ویژه بیتی که ذکر

شاید این ایوان همان ایوانی باشد که شاه شیخ ابواسحاق برای خود بنا کرده بود و در دیوان عبید در مواردی از این ایوان و عظمت آن شعرهایی یافت می‌شود.

۵-۲- رفتار ظالمانه حاکمان: هرچند عبید زاکانی در

جاهایی به ستایش حاکمان و امرای وقت پرداخته، ولی در مقابل برخی رفتارهای آنان زبان به اعتراض و نکوهش گشوده است و برخی از گرفتاری‌های خود و جامعه را به ظلم و ستم پادشاهان نسبت داده است.

نه همچو مردم دیگر به هر کجا که رسد

دری گشاده ببیند سری فرا دارد

ز آستان تو هرگز به هیچ جا نرود

اگرچه پیش وضع و شریف جا دارد

به عهد چون تو وزبری و این چنین شاهی

روا بود که مرا چرخ در عنا دارد

و... (۱۶).

عبید با داشتن ارتباط خوبی که با پادشاهان و امرا داشته و به ستایش آنها نیز پرداخته، ولی بیان می‌کند که لطف و رحمت آنان در حق جامعه بسیار ناچیز بوده و امیدوار است که از عالم غیب دستی برآید و جامعه را از مشکلات به دور گرداند. او نیز تحت تأثیر شرایط حاکم بر جامعه قرار گرفته و این تأثیر وی را به سرودن اشعار اجتماعی به ویژه شهروندی که حاکمان را بیدار و جامعه را به پذیرش واقعیت‌ها تحریض می‌کند واداشته است.

نماند هیچ کریمی که پای خاطر من

ز بند حادثه روزگار بگشاید

خیال بود مرا آن غرض که مقصودست

حصول آن غرض از شهریار بگشاید

بدان هوس بر سلطان کامران رفتم

که از عطای ویم کار و بار بگشاید

ز پیش شاه و وزیرم دری گشاده نشد

مگر ز غیب دری کردگار بگشاید

عبید حاجت از آن در طلب که رحمت او

اگر ببندد یک در، هزار بگشاید

و... (۱۶).

شد، پیداست. این شاعر با اعتقاد و باوری که به عدالت اجتماعی داشته، دیگران را به سوی آن رهنمون ساخته است. ۳-۱-۳- آزادی در انتخاب حجاب: نگاه بهار به آزادی.

صد نکته بود بدین سخن مضمیر
حجاب و بند عصمت و ناموس

و... (۱۸).

بهار برای زنان عصر خویش حجاب را مایه پاکي و عفت معرفی کرده و آنان را در داشتن حجاب مختار و البته مایه حفظ ارزش‌های آنان بر شمرده است.

۳-۱-۴- بیداری: اهمیت بیداری جامعه در شعر بهار.

گوییم که بیدار شدیم این چه خیال است؟
بیداری ما چیست؟
بیداری طفلی است که محتاج لالاست
از ماست که بر ماست (۱۸).

بهار در این شعر زیبا جامعه عصر خویش را به بیداری دعوت کرده و عامل بدبختی جامعه را بی‌توجهی به سرنوشت و عدم توجه به آن می‌داند، شاعر با دیدن ظلم و ستم‌هایی که بر جامعه حاکم است، متأثر شده و با سرودن چنین شعرهای اجتماعی، حقوق شهروندان را تبیین می‌سازد.

۳-۱-۵- بیان دردها و رنج‌ها: همدردی بهار با جامعه.

مرغ سحر ناله سر کن، داغ مرا تازه‌تر کن
ز آه شرر بار این قفس را بر شِکَن و زیر و زَبَر کن
بلبل پَر بسته ز کنج قفس درآ، نغمه آزادی نوع بشر سرا
وَز نفسی عرصه این خاک تیره را پرشر کن... (۱۹)

شعر مرغ سحر، یکی از زیباترین شعرهایی بهار است که همیشه در اذهان مردمان در ادوار مختلف خواهد ماند، این شعر که مضمونی سراسر اجتماعی و انقلابی داشته و به بیان رنج‌ها و گرفتاری جامعه می‌پردازد، به ترغیب جامعه برای قیام در برابر جور ظالمان و حاکمان همت می‌گمارد. در این شعر

زیبا نمود مضامین اجتماعی شهروندی به عنوان حق مسلم جامعه در قبال عدم پذیرش ظلم و ستم اشاره می‌کند. ۳-۱-۶- وحدت: اهمیت وحدت و اتحاد در شعر بهار.

ای همگی پیرو دین قویم
ای پسران پدران قدیم
سنی و شیعه ز که و کیستند؟
در پی آزار هم از چیستند؟
جمله مسلمان و ز یک مذهبند
جمله سبق خوانده یک مکتبند (۲۰)

بهار مردمان جامعه عصر خویش را به وحدت و اتحاد دعوت کرده و با کلام زیبا و هنری خود و آوردن دلایل متقن، آنان را به همدلی و دوری از اختلاف رهنمون می‌سازد. بهار به خوبی می‌داند که همدلی و اتحاد، رفاه و آرامش را به عنوان شاخصه‌هایی از حقوق شهروندی در پی خواهد داشت و هر اندازه که اختلاف در جامعه باشد، به همان میزان جامعه از سلامت و عدالت فاصله خواهد گرفت. چیزی که بهار را به سرودن چنین اشعار زیبایی کشانده، دردهای جامعه بوده که بهار آن‌ها را لمس کرده است.

۳-۱-۷- صلح: صلح در قصیده «جغد جنگ» را برای ترویج صلح و آرامش سرود و می‌خواهد در جامعه صلح و آرامش به جای نفرت و جنگ حاکم باشد و ادعای کسانی که در ظاهر طالب صلح ولی در عمل برعکس هستند را رد می‌کند.

فغان ز جغد جنگ و مرغواي او که تا ابد بریده باد نای او
بریده باد نای او و تا ابد گسسته و شکسته پر و پای او
شراب او ز خون مرد رنجبر و از استخوان کارگر غذای او (۱۹)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بررسی اشعار (عبید زاکانی، پروین و بهار) مشخص شد که آنان از حوادث جامع عصر خود تأثیر پذیرفته و از اوضاع اسفناک کشور، رنج‌ها و دردهای مردم خود سخن‌ها گفته‌اند. شیوه‌ای که این سه شاعر، به بیان مشکلات جامعه و انتقاد از آن، پرداخته‌اند، بیشتر شیوه غیر مستقیم

از تمامی کسانی که در انجام این تحقیق به هر نوعی کمکی داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

سهم نویسندگان

نگارش و تألیف این پژوهش به طور کامل سهم نویسنده مقاله است.

تعارض منافع

در این تحقیق هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

است، زیرا شرایط تیره زمان اجازه پرده‌برداری از حقایق را از آنان سلب کرده بود. اینجاست که آنان زبان نمادین حیوانات، پرندگان، نباتات و جمادات را به جای زبان آدمیان برمی‌گزینند و جایی هم که از زبان آدمیان بهره می‌گیرد، برای این که مبادا به مذاق حاکمیت، خوش نیاید باید اشخاصی بوده برگرفته از اعماق تاریخ گذشته و یا افراد نامعلوم و بی‌نام و نشان باشند. عبید، پروین و بهار در عصر خویش با آوردن حکایت‌هایی که نمونه آن‌ها در متن این پژوهش آمده است، به ذکر نابسامانی‌های اجتماعی که پایمال شدن حقوق شهروندان را در پی داشته، پرداخته‌اند. عبید در مجموعه «موش و گربه» به حکومت عصر خویش می‌تازد و آن‌ها را به نقد می‌کشد و از تبعیض، بی‌عدالتی‌ها و تزییع حقوق شهروندی و ستم‌های آنان پرده‌برداری می‌کند. پروین هم که متأثر از اوست گاه به صورت مناظره و گاه نمادین، فقر و نداری مردم، ظلم و ستم پادشاهان، بی‌عدالتی‌های موجود، تبعیض، بیان درد و رنج یتیمان و فاصله طبقاتی را به خوبی در اشعارش به نقد کشیده است. ملک‌الشعراى بهار با بیان آرزوهای ملت ایران برای رسیدن به جامعه‌ای آزاد و عدالت‌محور و رعایت حقوق شهروندی از جانب حاکمان، فریاد می‌زند. به عنوان مثال شعر مرغ سحر وی، قیام ملت ایران در برابر استبداد پادشاهان نالایق و ستمگر و دشمنی‌های اجنبی، ناله سر می‌دهد و داغ دل را تازه می‌کند. این شاعران فقط به دنبال خلق معانی برای موسیقیایی نمودن کلام نیستند، بلکه مباحثی را که بیان می‌کنند حاصل درک صحیح ایشان از اوضاع جامعه بوده و این تجربیات را با کلام شعر همراه با راه حل‌های مناسب در اختیار مخاطبان قرار می‌دادند.

شعر اجتماعی به عنوان یکی از نیرومندترین و زنده‌ترین جریان‌های ادبی در ادبیات فارسی شکل گرفته است. این‌گونه اشعار در پی افزایش ستم حکومت‌ها و استعمارگران با هدف مبارزه و پایداری در مقابل استبداد و به امید برطرف شدن ریشه‌ها و عوامل نابسامانی‌های اجتماعی، قوت بیشتری می‌گیرد.

References

1. Volk R, Austin W. Literary Theory. Translated by Movahed Z, Mohajer P. 1st ed. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company; 1994. p.110.
2. Vahida F. Sociology in Persian Literature. 2nd ed. Tehran: Samat Publication; 1388. p.46-47.
3. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. 14th ed. Tehran: University of Tehran Press; 1967.
4. Rezaeiipour A. Citizenship Rights. 1st ed. Tehran: Aryan Publication; 1385. p.78.
5. Pazhouhandeh L. Month of Literature. 1st ed. Tehran: Chatre Danesh Publication; 1395. p.38.
6. Shari'a't Panahi Ghazi S. History of Fundamental Rights Thoughts. Tehran: Mizan Publication; 1382. p.45.
7. Azimi Dowlatabadi A, Mir Hosseini M. Axes and Examples of Citizenship Rights. *Islamic Revolution Research Quarterly* 1393; 4(13): 1-19.
8. Kousha J, Ansari B. Human Rights education. 2nd ed. Tehran: Majd Scientific and Cultural Publications; 1391. p.17.
9. Arianpour Y. From Nima to Our Time. 1st ed. Tehran: Zavar Publication; 1374. p.539.
10. Borgh'e'ii MB. Famous Contemporary Iranian Speakers. 1st ed. Qom: Khoram Publication; 1373. Vol.2 p.777.
11. E'tesami P. Collection of Poems. Collected by Ahmadi Givi H. Introduced by Bahar MT. 1st ed. Tehran: Ghatreh Publication; 1381. p.11, 57, 74, 115, 131, 185.
12. Zakani O. Generalities of Obaid Zakani. Edited and Translated by Atabaki P. 1st ed. Tehran: Zavar Publication; 1379. p.13.
13. Safa ZA. History of Literature in Iran. 12th ed. Tehran: Ferdows Publication; 1371. Vol.1 p.333, 972.
14. Eghbal-Ashtiani A. History of the Mongols and Early Teymouri. 3rd ed. Tehran: Namak Publication; 1386. p.424.
15. Zakani O. Generalities of Obaid Zakani. 2nd ed. Tehran: Zavar Publication; 1342. p.396.
16. Zakani O. Generalities of Obaid Zakani. Edited and Translated by Mahjoub MJ. 1st ed. NewYork: Bibliotka Persia Press; 1999. p.75-76, 128, 131, 402.
17. Nikounahad A. Life and works of Bahar. 2nd ed. Tehran: Abad Publishing Group; 1361. p.8.
18. Bahar MT. Collection of Poems. 1st ed. Tehran: Negah Publication; 1387. p.18, 262, 378, 523.
19. Bahar MT. Collection of Poems. 1st ed. Tehran: E'lm Publication; 1381. p.616, 1155.
20. Bahar MT. Collection of Poems. 3rd ed. Tehran: Amirkabir Publication; 1354. Vol.2 p.141.